

بررسی روش‌شناسی هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر

سید محمد رضا محمودپناهی^۱

تاریخ پذیرش ۹۴/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۰۵

چکیده:

یکی از دغدغه‌های فکری هر مورخ اندیشه، فهم و درک و انتقال درست اندیشه به دیگران است. در هرمنوتیک روشی معمولاً از دو شیوه سنتی استفاده می‌شود: ۱- هرمنوتیک متن‌گرا که خوانش اندیشه را بر متن مستقل از زمان و مکان ابتناء می‌نماید، ۲- هرمنوتیک زمینه‌گرا که متن را امری وابسته به شرایط و قرائت آن را با لحاظ زمان و مکان ممکن می‌داند. در سال‌های اخیر پروفیسور کوئنتین اسکینر برای فهم اندیشه سیاسی روشی هرمنوتیکی معرفی نموده که به «هرمنوتیک قصد‌گرا» معروف است. سؤال این پژوهش این است که اقتضائات روشی هرمنوتیک اسکینر چیست؟ بر اساس نتایج، اسکینر برای تحلیل اندیشه سیاسی بر بازسازی «زمینه اندیشه»^۱ تأکید دارد و به شیوه سنتی نگارش تاریخ اندیشه که در آن متون بدون توجه به زمینه و با تکیه بر متن و ادعای حقیقت بررسی می‌شود، انتقاد می‌کند. وی با تأثیر از نظریه‌ی کنشی زبان، حرف را نوعی عمل ارتباطی و نویسنده را به‌عنوان کنشگر در نظر می‌گیرد. در این روش ضمن لحاظ خود متن و زمینه شکل‌گیری آن، به‌قصیدیت مؤلف به‌عنوان کنش مضمون در سخن او توجه می‌شود. با کشف قصد مؤلف امکان فهم تصرفات او نسبت به دیگر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های هم‌عصرش به دست می‌آید.

واژگان کلیدی:

"هرمنوتیک"، "قصیدیت در تفسیر"، "افعال گفتاری"، "کنش مضمون در سخن"، "زمینه فکری و سیاسی"

۱. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور-ایران،

مقدمه:

در ایران معاصر و در جهان اسلام، اندیشمندان و متفکرینی تأثیرگذار می‌زیسته‌اند که دانش اندیشه سیاسی، فهم و توضیح افکار ایشان را به عهده دارد. فهم افکار و ذهنیت انسانی به‌طور کلی متأثر از دو مبنای روشی است: متد کمی یا تجربی و متد کیفی یا تفهیمی. درک صحیح اعمال آدمی نسبت مستقیمی با درک نیت و قصد او برقرار می‌کند و عالم افکار انسان‌ها قابل فروگاهی به عالم جمادات و پدیده‌های طبیعی نیست. هرمنوتیک یا علم تفسیر که بافهم سروکار دارد به هرمنوتیک فلسفی و هرمنوتیک روشی تقسیم می‌شود. یکی از انواع هرمنوتیک روشی، روش‌شناسی فهم اندیشه مؤلف با تمرکز بر فهم قصد مؤلف بجای فهم متن دست‌نوشته مؤلف است. در این مقاله، به معرفی اقتضائات سلبی و ایجابی هرمنوتیک روشی قصد‌گرای پروفیسور کوئنتین اسکینر^۱ می‌پردازیم.

۱- روش در علوم انسانی

موضوع پژوهش اندیشه در حوزه علوم انسانی قرار دارد و در این حوزه تباین تفهیم^۲ و تبیین^۳، یکی از منازعه‌های مهم بوده است. پالمر در کتاب علم هرمنوتیک از ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱م) نقل می‌کند: «ما طبیعت را توضیح می‌دهیم، اما انسان را باید بفهمیم». (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۲۷) اهل تبیین، به روش‌ها و معیارهای رایج در علوم طبیعی اعتقاد دارند، درحالی‌که هواداران روش‌های تفسیری، به تفهیم اولویت می‌دهند و میان تبیین و تفهیم فرق می‌گذارند، بدین بیان که تبیین، به دست دادن علل عام حادثه‌ای از

^۱ پروفیسور اسکینر مورخ و نظریه‌پرداز سیاسی متولد ۲۶ نوامبر ۱۹۴۰ و استاد کالج کوپین مری دانشگاه لندن و تاریخ مدرن در دانشگاه کمبریج است. اسکینر نویسنده بیش از ۲۰ کتاب است که اغلب ترجمه شده‌اند و روش‌شناسی او به‌عنوان، هرمنوتیک روشی مؤلف محور یا قصد‌گرا مشهور است.

^۲ . Verstehen/understanding

^۳ . Erklaren/explanation

حوادث است، درحالی‌که تفهّم کشف معنای حادثه‌ای یا فعلی در زمینه‌ی اجتماعی خاص است. (Von Wiigt, ۱۹۷۱: ۶) یعنی روش در علوم مربوط به عالم انسانی تفهّمی و در علمی که به طبیعت مربوط می‌شود تبیینی است. دیلتای در علم هرمنوتیک^۱ دانش مضبوط بنیادینی را دید که می‌توانست مبنای تمامی علوم انسانی^۲ قرار بگیرد. (پالمر، ۱۳۸۷: ۵۰) زیرا، هرمنوتیک نقطه‌ی عزیمت خود را فهم و نه داده‌های تجربی قراردادده است. (Al vesson, ۲۰۰۰: ۶۱) ازاین‌رو، ماکس وبر در باب تمایز روش علوم اجتماعی از علوم طبیعی می‌گوید: «ما در علوم اجتماعی با پدیده‌های روانی و عقلانی سروکار داریم که درک همدلانه آن‌ها مسئله این علوم است و این مسئله تفاوت نوعی دارد با مسائلی که علوم طبیعی دقیق خواهان حلّ یا توانای بر حلّ آن‌ها هستند.» (Weber, ۱۹۴۹: ۷۴) بنابراین با روش تجربی نمی‌توان به درک همدلانه انسان در اجتماع دست‌یافت، لذا همان‌طور که اسکینر در جلد اول کتاب بینش‌ها درباره سیاست^۳ بیان نموده است؛ این باور تجربی که جهان ما مرکب از داده‌های حسی و به‌طور مستقیم قابل‌ادراک و توصیف است در ورطه بدنامی افتاده است و بندرت کسی به امکان برپایی دانشی واقعی بر مبنایی کاملاً مستقل از داوری‌های ما باور دارد. با توجه به نقد فراتجربی^۴ فوق، این دیدگاه که مورخ باید همه اطلاعات را درباره مسئله خاصی جمع‌آوری کند و آن‌ها را تا جایی که مقدور باشد به‌عنوان امری واقعی صرفاً بازگو کند قابل دفاع نیست. برای فهم و توضیح فرهنگ، باورهای نامأنوس دیگران یا جوامع قدیمی‌تر نمی‌توان با ادعاهای تجربی یا حقانیت باورهای کنونی خود یکسره آن‌ها را نفی نمود. علاوه بر هجمه معرفت‌شناختی، تجربه‌گرایی^۵ در دوران مؤخر با پیشرفت‌هایی که در نظریه معنای رخ داده تحلیل رفته است. (Quent i n Ski nner, ۲۰۰۲: ۲)

۱. Hermeneutics

۲. Geisteswissenschaften

۳. Vision of politics

۴. Post empiricist critique

۵. Empiricism

۶. The theory of meaning

مشکلات و نقیصه‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تجربه‌گرایی در علوم انسانی موجب اقبال و توجه بیشتر به رویکردهای تفسیری شده، چراکه، به تعبیر دانیل لیتل این رویکردها به جای «علیت»، بر «تأویل» تأکید دارند و نشان می‌دهند که فاعلان چگونه آنچه را که انجام می‌دهند معقول جلوه می‌دهند. از این نظر، تفسیرگرایی، افعال و اعمال اجتماعی را ناشی از معانی یا مرادات^۱ فاعلان می‌داند. در این رویکرد، نقش عاملیت^۲ برجسته می‌شود. افراد فاعلانی صاحب‌رأی^۳ و نماد اندیش^۴ دانسته می‌شوند و تفسیر به آن سوی گرایش دارد که زمینه فرهنگی و ذهنی این اعمال را نشان دهد. به عبارت دیگر، هدف تفسیر فهم‌پذیر کردن رفتارهای آدمی است. (لیتل: ۱۱۶، ۱۳۷۳) و در راستای تفهم اندیشه و رفتار انسان است که تأویل دست‌یابی به معانی پنهان نهفته در متن و «حاضر» کردن امر «غایب» متن، همچنین، برداشتن فاصله موجود میان متن و خواننده را پی می‌گیرد که در نتیجه هنگام تفسیر، معنای پوشیده مانده در قالب گفتن، در نزد ما حاضر می‌شود. (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

هرمنوتیک در اصل از واژه هرمس^۵ مشتق شده که طبق اسطوره‌های یونانی پیام‌آور خدایان است، وی دو وظیفه بر عهده داشت: انتقال کلمه به کلمه پیام‌های خدایان ساکن المپ به انسان‌ها و تفسیر این پیام‌ها. وجود هرمس در تمثیل فوق، برای از میان برداشتن «فاصله» بین زمین و المپ است. هرمنوتیک نیز وظیفه مشابهی به عهده دارد و وقتی مصداق پیدا می‌یابد که به دلیل فاصله مکانی، فاصله زمانی یا تفاوت زبانی و فرهنگی نتوان به‌طور مستقیم، به معنای متن، دست‌یافت. در تمام این موارد، معنای اولیه متن محل اختلاف و پنهان است و برای آشکار شدن، نیاز به تمهیدات تأویلی دارد، از این نظر، هرمنوتیک متن درک صحیح یک مطلب است. (Bl ei che,)

1. Meanings
2. Agency
3. Deliberate
4. Symbolic
5. Hermes

۱۱:۱۹۹۰) به لحاظ زمانی این علم نخست در فقه اللّغه^۱ قرن هفدهم آلمان بااهمیت یافتن الهیات پروتستانی در زمینه تفسیر کتاب مقدّس ظاهر شد و با عصر روشنگری، به‌طورکلی، از تفسیر کتاب مقدّس به فقه اللّغه تغییر یافت و به علم تفسیر متن تبدیل شد. فردریک شلایرماخر^۲ در قرن نوزدهم با تأسیس علم تأویل به‌عنوان علم معنای انسانی شهرت یافت. به نظر او، علم تأویل به‌عنوان تفسیر معنا می‌تواند در همه‌ی اشکال ارتباط انسانی به کار گرفته شود. (دلانتی، ۱۳۷۳: ۸۱) درعین‌حال، صور تفکر هرمنوتیکی را می‌توان به‌طورکلی به دو سنت «روش‌شناختی» و «فلسفی» بازگرداند. سنت هرمنوتیکی شلایرماخر و دیلتای که طرفداران آن علم هرمنوتیک را نظام عام اصول روش‌شناختی نهفته در پس تأویل می‌انگارند و پیروان هایدگر که علم هرمنوتیک را کاوشی فلسفی در خصوص خصلت و شرایط لازم برای هرگونه فهم محسوب می‌کنند. (پالمر، ۱۳۸۷: ۵۵) هرمنوتیک، به‌مثابه یک روش خواستار دست‌یابی به معنای متن و ابهام‌زدایی از آن است و با روشن‌سازی و فهم تعابیر مؤلف ملازمت دارد، در شرایطی که مؤلف غایب است.

هرمنوتیک روشی موردنظر در این مقاله، هرمنوتیک قصدی است که به‌وسیله کوئنتین اسکینر ارائه‌شده است. وی در کنار مورخان اندیشه چون جان پوکاک^۳، عضو مکتب کمبریجی تاریخ اندیشه‌ها^۴ است، این مکتب، شأن مستقلی برای تاریخ اندیشه‌ها در نظر می‌گیرد و مدعی است برای تحلیل اندیشه سیاسی باید زمینه اندیشه^۵ بازسازی شود و به شیوه سنتی نگارش تاریخ ایده‌ها که در آن متون بدون توجه به زمینه و با تکیه بر انسجام متن و ادعای حقیقت بررسی می‌شود، انتقاد می‌کنند. آنان با تأثیر گرفتن از نظریه‌ی کنشی زبان، حرف را نوعی عمل می‌بینند و نویسندگان را به‌عنوان کنشگر در نظر می‌گیرند. اسکینر روش‌های تفسیری را که صرفاً به متن توجه می‌کنند موردانتقاد

^۱ . Philology

^۲ . Frieddrich Schleiermacher

^۳ . Pocock, John Greville Agard

^۴ . Cambridge School of Intellectual History

^۵ . Context of Idea

قرار می‌دهد و برای فهم اندیشه ورزی مؤلف، علاوه بر زمینه‌های فکری و سیاسی به‌قصد و نیت او توجه خاصی دارد.

۲- هرمنوتیک قصد‌گرا

به نظر اسکینر در مقدمه جلد اول کتاب بینش‌ها درباره سیاست (۱. vol. ۲۰۰۲, Skinner) که راجع به روش است، فرض اصلی فلسفه‌های اثباتی زبان این بود که همه گزاره‌های بامعنا بایستی به حقایق بیرونی اشاره کنند و معنای آن‌ها با متد تحقیقی قابل تعیین باشد. کواین^۱ در این دیدگاه کلی تردید کرد و ویتگنشتاین^۲ با تأکید بر راه‌های متفاوت به‌کارگیری عملی زبان معتقد بود که ما باید بجای سؤال از معانی کلمات بر کاربردهای متنوعی تمرکز کنیم که کلمات در بازی‌های زبانی^۳ مختلف به انجام می‌رسانند. بعدها این منتقدان جدی در دو جهت مرتبط، تعمیم یافتند. جی. ال. آستین^۴ و جان سرل^۵ و دیگران در انتقاد خود بررسی کاربردها را در مقابل معنای واژگان پیش بردند و با تأکید بر مفهوم فعل گفتاری^۶ دلالت‌های این امر را دنبال کردند که هرزمانی که ما زبان را برای اهداف ارتباطی بکار می‌گیریم، همیشه به همان اندازه که چیزی را می‌گوییم چیزی را انجام می‌دهیم. مینوایل اچ. پی. گرایس^۷ و تعدادی از زبان‌شناسان تجدیدنظر در مفهوم معنا^۸ و در نتیجه تغییر توجه از معانی به عامل^۹، کاربرد^{۱۰} و به‌ویژه قصدیت^{۱۱} را پیش بردند (۲: ۲۰۰۲, Skinner). لذا دو گرایش مهم در مسائل روش‌شناختی اسکینر یکی چرخش زبانی و دیگری چرخش قصدگرایی یا

^۱ . Quine

^۲ . Wittgenstein

^۳ . language games

^۴ . J. L. Austin

^۵ . John Searle

^۶ . Speech act

^۷ . Meanwhile H.P. Grice

^۸ . Meaning

^۹ . Agency

^{۱۰} . Usage

^{۱۱} . Intentionality

هرمنوتیک قصد است. در استدلال‌های فلسفی در مورد کنش زبانی متأثر از ویتگنشتاین دوم، آستین و سرل و در گرایش قصدی در هرمنوتیک پیرو روش دیلتای در علوم انسانی، و کالینگوود و گرایس در باب نیت و قصد است. آثار و نوشته‌های اسکینر به دودسته قابل تقسیم است: روش‌شناختی و مسائل تاریخی. در زمینه روش اسکینر در مقاله «معنا و فهم در تاریخ اندیشه»^۱ در کتاب «معنا و زمینه، اسکینر و منتقدانش»^۱ معتقد است که هر مورخ اندیشه^۱ که در پی فهم یک اثر ادبی - شعر، نمایش، رمان - یا یا فلسفی - اخلاقی، سیاسی، دینی و یا دیگرگونه‌های اندیشه - است با پرسش اساسی یکسانی در همه آن‌ها روبروست که: «چه رویه و روش‌هایی برای رسیدن به فهم آن اثر مناسب است؟» در پاسخ به این سؤال که بنیان روش‌شناسی او نیز محسوب می‌شود؛ بر این باور است که دو پاسخ یا روش، هرچند متعارض، اما متعارف وجود دارد که مقبولیت گسترده‌ای دارند. روش نخست که اتفاقاً از سوی مورخین اندیشه به‌طور فزاینده‌ای اتخاذ می‌شود تأکید می‌کند که زمینه^۲ دینی، سیاسی و عوامل اقتصادی است که معنای هر متن معینی را تعیین می‌کند و بنابراین بایستی چارچوب نهایی هرگونه تلاش برای فهم متن را تأمین نماید، که از آن به روش‌شناسی قرائت زمینه محور^۳ یاد می‌شود. در روش دیگر که اقتباس و پذیرش آن عمومی‌تر است بر استقلال و بسندگی^۴ خود متن، به‌عنوان تنها کلید ضروری برای فهم معنای متن تأکید می‌شود و هرگونه تلاش برای بازآفرینی زمینه کلی^۵ را بی‌ثمر دانسته و کنار گذاشته می‌شود که به روش‌شناسی قرائت قرائت متن محور^۶ معروف است. به نظر اسکینر، هر دو روش در اجرا با عدم کفایت روبرو هستند و هیچ‌کدام از دو رهیافت برای دستیابی به فهم درست یک اثر، نمی‌توانند وسیله درست و یا حتی مناسبی باشند. لذا، تصریح می‌کند هر دو روش مذکور در اتخاذ فروض

1 . Historian of Ideas

2 . Context

3 . Methodology of contextual reading

4 . Autonomy

5 . Total context

6 . Methodology of text reading

و شرایطی که برای فهمیدن عبارت‌های^۱ مؤلف، ضروری دانسته‌اند، اشتباهات فلسفی مرتکب شده‌اند و بنابراین پذیرش هر یک از این دو روش، به این نتیجه ختم شده است که ادبیات جاری در تاریخ اندیشه، با یکسری آشفتگی‌های مفهومی^۲ و ادعاهای تجربی غلط توأم شود (Tully, ۱۹۸۸: ۳۰). به همین دلیل است که اسکینر یکی از نتایج مثبت بحث‌های روش‌شناسی خود را رهایی از آشفتگی‌های مفهومی و «اتخاذ روش مناسب برای مطالعه تاریخ اندیشه» می‌داند و دغدغه خود را برای اتخاذ این روش در بررسی تاریخ اندیشه، از رهگذر نقد دو روش متن‌گرا^۳ و زمینه‌گرا^۴ و عطف نظر به «قصیدت مؤلف» پی می‌گیرد. به نظر وی، درک متون متضمن فهم این است که آن‌ها قصد دارند چه معنایی بدهند و چگونه این معنا، قصد می‌شود تفسیر شود. برای فهم یک متن بایستی حداقل فهم دو امر موجود باشد هم قصد فهمیده شدن و هم قصدی که این قصد فهم شود که «متن به‌مثابه عمل ارتباطی قصد شده» بایستی دربرداشته باشد (Skinner, ۲۰۰۲: ۸۶).

۳- قصدیت در تفسیر

در روش اسکینر مؤلفه‌ها و عناصری نظیر فهم، معنا، بیان، زبان، کنش، تأویل، تفسیر، زمینه و بازخوانی در مفهوم قصد‌گرایی سازمان می‌یابند و قصد‌گرایی، چنانچه برایان فی در کتاب فلسفه امروزین اجتماعی گفته، بر مبنای اینکه واژه معنا در زبان انگلیسی (meaning) از واژه‌ی آلمانی (meinen) به معنای «در ذهن داشتن» گرفته‌شده، بدین مفهوم است که معنای یک عمل، متن، رابطه و غیره همانی است که عامل یا مؤلف به هنگام دست زدن به آن عمل یا تولید آن متن یا رابطه در ذهن داشته است، یعنی، آنچه قصد بیان یا وصول بدان را از این طریق داشته است. بنا بر قصد‌گرایی، معنای یک عمل یا حاصل آن، از قصد نیت عامل آن نشأت می‌گیرد یعنی معنای رفتار

^۱ . Utterances

^۲ . Conceptual muddles

^۳ . Textualist

^۴ . Contextualist

دیگران، همانی است که خود از آن مراد می‌کنند. درباره قصد، طبق نظریه بازآزمایی^۱ آر.جی. کالینگوود برای تشخیص فکر عامل به هنگام عمل باید مورخ اندیشه و فکر او را در ذهن خود بازبازآزماید و بازاندیشد، چون اعمال علاوه بر جنبه بیرونی قابل مشاهده جنبه درونی یا فکری نیز دارند. «باز اندیشیدن» به معنای درک برداشت عامل از واقعیات موقعیت خویش است؛ به معنای درک حس عامل از مسیرهای ممکن عمل در پرتو این واقعیات و تمناها و باورهاست؛ و به معنای درک فرایند تأمل عملی است که به کمک آن عامل همه این ملاحظات را به هم پیوند می‌دهد، باز اندیشیدن به معنای کشف دلایل عامل برای عمل و رفتار کردن به همان‌گونه‌ای است که عمل و رفتار کرده است، لذا، معنای عمل کاملاً به قصد آگاهانه عامل گره می‌خورد. همچنین، طبق نظریه معنای زبانی پل گرایس درباره قصد، برای آنکه کسی با گفتن جمله‌ای معنایی را مراد کند باید این قصد و نیت را داشته باشد که با آن جمله‌اش تأثیر معینی بر مخاطبش بگذارد (فی، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

برخلاف نظریه معنای زبانی گرایس و نظریه باز آزمایی کالینگوود، اسکینر معتقد است که «قصد به انجام کاری» و «قصد در انجام کاری» لزوماً یکی نیست و وقتی از قصد و نیت نویسنده سخن می‌گوییم ممکن است اشاره‌ی ما به طرح و نقشه‌ی او برای خلق یک نوع خاص از اثر باشد (یعنی قصد و نیت او برای انجام کار)، یا اشاره‌ی ما به اثری بالفعل و توصیف آن باشد (که تجسم یک قصد و نیت در انجام کار است). در حالت اول ظاهراً (مثل سخن گفتن از انگیزه‌ها) اشاره‌ی ما به یک شرط پیشینی ممکن به امکان خاص در پیدایش اثر است. در حالت دوم ظاهراً اشاره‌ی ما به ویژگی خاصی از خود اثر است و می‌خواهیم مشخصه‌ی آن را معین کنیم به نحوی که نشان دهیم تجسم هدف یا قصد و نیت خاصی است و بعد هم به این برسیم که حاوی نکته‌ی خاصی است (Ski nner , ۱۹۷۲:۴۰۱). قصد به انجام کار لزوماً با قصد در آنچه انجام شده یکی نیست. عمل ممکن است در واقع قصد و نیت آگاهانه عامل (مؤلف) را محقق نکند. تبیین

^۱ . Re-enactment

قصد و نیت در اعمال متضمن این است که قصد و نیت آگاهانه‌ی عامل را معادل اعمالی که عامل انجام می‌دهد قرار ندهیم و در عوض در مورد یک عمل (متن) بپرسیم که قصدیت موجود در خود عمل (متن) چیست، نه اینکه چه چیزی در ذهن عامل است. پاسخ به این سؤال مستلزم قراردادن اعمال (متون) در بستر گسترده‌تر زندگی عامل و آن شرایط اجتماعی است که در آن عمل انجام گرفته است و تفسیر اعمال در پرتو این بستر گسترده‌تر است. آن گونه‌ای که قصد گرایی تعدیل شده اسکینر می‌گوید مفسران، از جمله خود عامل (مؤلف) در تأمل ثانویه‌اش، می‌توانند معنای یک عمل (متن) را بهتر از خود عامل درک کنند. این کار ممکن و مقدور است چون معنا آن گونه‌ای که کالینگوود می‌گفت با فرآیند روان‌شناختی باززیستن اندیشه‌های عامل درک نمی‌شود، بلکه، آن گونه‌ای که اسکینر می‌گوید از طریق فرایند تفسیری که عمل را در بستر مناسب قرار می‌دهد درک می‌شود. تفسیر در این معنا، فرایندی روشن‌گر و غیر روان‌شناختی است که در آن اعمال در بستر اجتماعی و قصدی مرتبط با خود و در جهان فرهنگی خود عامل قرارداد می‌شوند. در تفسیر، هدف کشف اندیشه‌های آگاهانه‌ای نیست که از ذهن عامل گذشته است، بلکه رمزگشایی از این است که عامل با رفتار کردن به شیوه‌ای خاص چه کرده است. با این حساب، در قرائت قصد گرایانه اسکینر، برای بازتفسیر عمل مؤلف، علی‌رغم واقعیت فکر و ذهنیت او، باید این عمل را در بستر گسترده‌تر اعمال خود مؤلف، پیش و پس از عمل و نیز در بستر گسترده‌تر آن جهان سیاسی که این اعمال در آن انجام می‌گرفت قرارداد تا فهم درست اندیشه خالق اثر به دست آید (فی، ۱۳۸۶: ۲۴۹). بنابراین، در بررسی متون بجای توجه به ذات معنا، صدق و کذب و معرفت درجه‌یک گزاره‌های مؤلف، به دنبال شناخت و معرفتی ثانوی و درجه‌دو هستیم. مسأله اساسی که ما در مطالعه هر متن با آن مواجه می‌شویم عبارت است از اینکه آنچه نویسنده متن در موقع نوشتن برای مخاطب قصد دارد، بیان کند در عمل متن را به یک عمل ارتباطی قصد شده تبدیل کرده است. هدف ضروری در هر تلاش برای فهم خود

عبارت، می‌بایست این قصد مرکب و پیچیده از طرف نویسنده را بازیابی^۱ نماید (Tuliy, ۱۹۸۸: ۶۳).

۴- افعال گفتاری

از دیگر اصول روش اسکینر این است که متون، گزاره‌ها و عبارات مؤلف به‌مثابه فعل و کنش مؤلف محسوب می‌شوند. در این روش، تفسیر متن و فهم معنای آن با تکیه بر شیوه‌ی عمل گفتاری^۲ یا کنش زبانی^۳ ممکن می‌شود. این شیوه در نظریه کنش گفتاری ج. ال. آستین ریشه دارد. بر اساس این نظریه گفتن، نوشتن و یا عمل کردن عامل از روی قصد و منظوری خاص است که به‌مثابه یک نیروی غیر گفتاری، در خود عمل وجود دارد و لذا وظیفه اصلی مفسر، رمزگشایی همین قصد و منظور است (Tuliy, ۱۹۸۸: ۷۸) درباره تبیین معنا در نظریه کنش گفتاری دو دیدگاه وجود دارد: اولی معنا را بیشتر محصول قصد گوینده و دومی علاوه بر توجه به نقش قصد گوینده بر نقش نهادهای اجتماعی، قراردادهای و قواعد زبانی نیز تأکید می‌کند. دیدگاه نخست را می‌توان تبیین ذهنی معنا و دیدگاه دوم را تبیین عینی معنا دانست (سرل، ۱۳۸۵: ۶۴). پیش از بررسی دیدگاه دوم به تحلیل آستین از سه سطح افعال گفتاری می‌پردازیم، از نظر او سه سطح متفاوت کنش گفتاری به‌هنگام سخن گفتن در کار است که عبارت‌اند از: کنش تلفظی^۴، کنش مضمون در سخن^۵ و کنش ناشی از سخن^۶ در سطح اول، گوینده واژه‌هایی را اظهار می‌کند که معنای خاصی دارند. در سطح دوم، گوینده واژه‌ها را برای افاده‌ی بار خاصی به کار می‌گیرد و در سطح سوم، گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود عکس‌العمل و تأثیری پدید می‌آورد. به‌عنوان مثال: گوینده به مخاطب خود می‌گوید: «پنجره را ببند». گوینده در اظهار این

1. Recover

2. Speech-act

3. Linguistic Action

4. Locutionary act

5. Illocutionary act

6. Perlocutionary act

جمله نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی گُنشی انجام داده است که آستین از آن به گُنش تلفظ واژه‌های معنادار تعبیر می‌کند. علاوه بر این، گوینده با اظهار این جمله امر کرده است؛ یعنی اظهار او حاوی بار محتوایی «امر» است، به گونه‌ای که نفس اظهار جمله - البته با قیود و شرایطی - به معنای انجام گُنش گفتاری امر است. آستین از این گُنش به گُنش مضمون در سخن تعبیر می‌کند. حال اگر جمله‌ی یادشده مخاطب را وادار کند که پنجره را ببندد، گوینده گُنش سومی نیز انجام داده که عبارت است از تأثیری که بر مخاطب گذاشته که این تأثیر از سخن او ناشی شده است. آستین این تأثیر را گُنش ناشی از سخن نامیده است (سرل، ۱۳۸۵: ۳۳ & Skinner, ۲۰۰۲, ۱۰۵). بر اساس دیدگاه دوم؛ از ویژگی‌های ارتباط زبانی این است که وقتی چیزی می‌گوییم، به محض این که - با فرض شرایط خاص - شنونده بفهمد که آنچه سعی می‌کنیم بگوییم چیست، در گفتن مقصود خود به شنونده موفق شده‌ایم. بنابراین، فهم شنونده اثری مستقل نیست که از اظهارات گوینده ناشی شده باشد. بلکه باید میان تأثیر مضمون در سخن و تأثیر به‌وسیله‌ی سخن تمایز قائل شد. آنچه به مسئله معنا مربوط می‌شود تأثیر مضمون در سخن است نه تأثیر به‌وسیله‌ی سخن، وقتی با شنونده‌ای سخن می‌گوییم، مقوم ارتباط زبانی فهم شنونده است. تشخیص مقصود گوینده برای ارتباط زبانی کافی است. بدین ترتیب، معنا پدیده‌ای است که در ارتباط زبانی میان گوینده و شنونده تحقق می‌یابد. از جانب گوینده، گفتن چیزی و قصد کردن آن به معنای ایجاد تأثیر خاصی (تأثیر مضمون در سخن) در شنونده است. معنای واژه یا جمله امری وضعی و قراردادی است که تابع قواعد و قوانین خاص هر زبانی است. اما معنای مقصود گوینده پدیداری است که از طرفی، مقوم به قصد گوینده است و از طرف دیگر، تابع قراردادهای زبانی است، زیرا گوینده باید قصد خود را به نحوی اظهار کند و وسیله‌ی اظهار قصد لا محاله امری قراردادی مانند الفاظ، علائم و نشانه‌هاست. آنچه در نظریه‌ی گُنش گفتاری مهم است تجزیه و تحلیل گُنش مضمون در سخن است که در حقیقت، تعیین‌کننده‌ی معناست و با تحقق این گُنش ارتباط زبانی حاصل می‌شود. بدین ترتیب، تحلیل گُنش مضمون در سخن، در حقیقت، تحلیل معناست که مقوم به دو عنصر است: یکی قصد

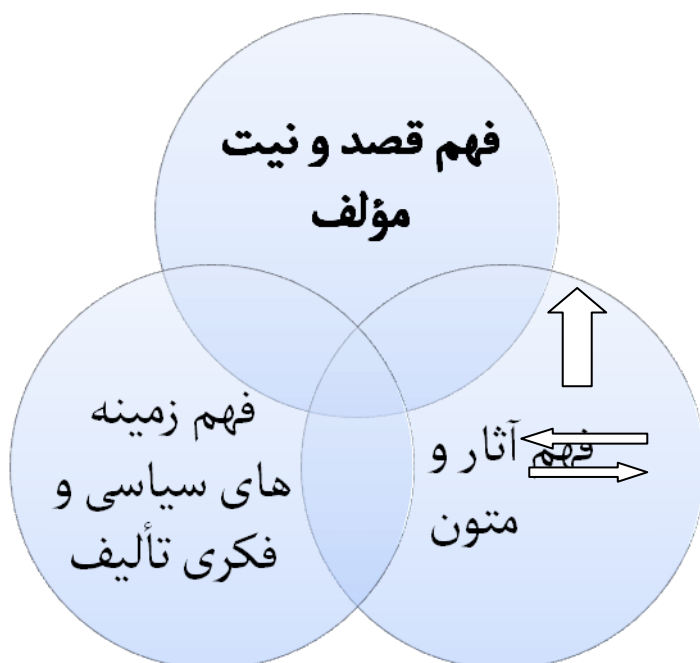
گوینده و دیگری قرارداده‌ها و قواعد زبانی‌ای که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند. بنابراین، انجام موفق و تام‌کنش گفتاری به معنای ایجاد معناست. طبق این تحلیل، معنا پدیداری اجتماعی است، زیرا کنش گفتاری و ارتباط زبانی اساساً پدیداری اجتماعی است که در بسیاری از موارد علاوه بر قصد گوینده و علائم و نشانه‌های زبانی به اعتبارات اجتماعی و واقعیت‌های نهادی دیگر غیر از زبان نیز نیازمند است (سرل، ۱۳۸۵: ۶۶).

اسکینر از میان سه نوع کنش گفتاری که آستین برمی‌شمارد، بیش از همه بر کنش گفتاری دوم تأکید می‌نماید و متدولوژی خود را بر مبنای همین کنش استوار می‌سازد. مضمون اصلی این نوع کنش گفتاری آن است که گوینده یا نویسنده با گفتن یا نوشتن کاری را انجام می‌دهد و از انجام این کار نیز مقصود و منظوری دارد. از این لحاظ، آنچه در تفسیر حائز اهمیت فراوان است، کشف همین قصد و منظور است و وظیفه اصلی مفسر نیز چیزی جز این نیست. از این‌رو برای فهم کامل معنای تاریخی یک متن یا بخش‌هایی از آن، که در گذشته نوشته شده است و به‌عنوان یک عمل زبان‌شناختی تلقی می‌شود که توسط مؤلف آن صورت گرفته است، کافی نیست تنها معنای گفتاری آن را در نظر بگیریم، بلکه ضرورت دارد بدانیم مؤلف در نوشتن آن، چه کاری می‌کرده است و نکته یا بار استدلال آن چیست؟ اسکینر معتقد است هر متنی حاوی پیام یا معنایی است، از این‌رو، وی بر این امر اصرار می‌ورزد که هدف اصلی مفسر، اثبات معنای متن است و این معنا صرفاً با قرائت خود متن به دست نمی‌آید بلکه برای دستیابی به آن باید در پس آن انگیزه‌ها و نیت مؤلف و زمینه اجتماعی و زبانی نگارش آن را جستجو نمود. از همین رو، وی روش‌شناسی خوانش متنی را روش‌شناسی مناسبی برای تفسیر و فهم معنای متن نمی‌داند؛ زیرا این روش‌شناسی به دلیل نفی توجه به عوامل خارج از متن قادر نیست روابط بین آنچه نویسنده نوشته و آنچه او از نوشتن مدنظر داشته است، دریابد؛ به همین سبب تلاش مفسر برای پرداختن به نیت و انگیزه‌های مؤلف و توجه وی به زمینه اجتماعی و زبانی نگارش متن برای یافتن روابط مذکور و کشف معنای متن ضرورت می‌یابد. به نظر اسکینر، دانستن انگیزه‌ها و نیت

مؤلف دانستن رابطه‌ای است که مؤلف در آن رابطه نسبت به آنچه نوشته است، قرار می‌گیرد. این نظر بر مبنای این فرض بنیادین وی استوار است که هر نویسنده به‌طور طبیعی درگیر یک عمل ارتباطی قصد شده است و متن نیز تجسم چنین عملی است یعنی نویسنده چیزی را می‌گوید و کلمات چیزی را معنای می‌دهند ما باید معنای کلمات را بدانیم، اما علاوه بر فهم معنای سخن، نیاز است بدانیم نویسنده به هنگام نوشتن گزاره‌های متن قصد داشته بایان این گزاره‌ها چه کاری را انجام دهد، یعنی، اسکینر بین معنا^۱ و فهم^۲ فرق می‌گذارد؛ معنا با مراجعه به واژه و اصطلاحات در متن و ساختار لفظی آن و از طریق تبیین به دست می‌آید. ولی، «فهم» مربوط به «نیت» نویسنده است که از طریق فهم کنش گفتاری مقصود رسان به دست می‌آید. لذا، همان‌طور که اسکینر در مقاله «تفسیر و فهم اعمال گفتاری»^۳ گفته است، هدف اصلی آستین توضیح ایده استفاده از زبان^۴ در ارتباط است. لذا آستین تأکید اساسی را روی این واقعیت قرار می‌دهد که گویندگان قادرند از بُعد نیروی مضمون در گفتار بهره‌برداری کنند تا همان‌گونه که عنوان کتابش، چگونگی انجام کارها با کلمات نشان می‌دهد (Austin, J. L: ۱۹۸۰)، کارها به وسیله کلمات انجام شود (Ski nner, ۱۰۵, ۲۰۰۲). در این رابطه اسکینر میان انگیزه^۴ و قصد^۵ تمایز قائل می‌شود. بر مبنای این تمایز، انگیزه امری مقدم بر متن و خارج از آن است که مرتبط با پیدایش متن بوده و متناظر علت در روش‌های تجربی است؛ صحبت از انگیزه‌های مؤلف همواره به‌منزله صحبت از وضعیت پیشینی و احتمالاً مرتبط با ظاهر آثار است. حال آنکه، صحبت از مقاصد مؤلف ممکن است هم به‌منزله برنامه یا طرح ایجاد نوع خاصی از اثر است: قصد برای انجام دادن کاری^۶ و هم به اثری عملی به طریقی معین اشاره کند: قصد خاص در

-
1. Meaning
 2. Understanding
 3. The use of language
 4. Motive
 5. Intention
 6. An intention to do x

انجام دادن کاری^۱. در مورد اول (مثل موقعی که درباره انگیزه صحبت می‌کنیم) اشاره ضمنی به وضعیت پیشینی محتمل ظاهر اثر می‌شود؛ اما در مورد اخیر به‌خصوصیتی از خود اثر اشاره می‌شود که هدف یا قصد خاصی را دربردارد. (Skinner, ۲۰۰۲: ۹۸) لذا با توجه به نقش همزمان سه عنصر «متن»، «زمینه» و «قصد» در فهم اندیشه مؤلف، می‌توان الگوی ترکیبی روش اسکینر را به‌صورت زیر ترسیم نمود:



متدولوژی ترکیبی اسکینر

۵- تصرفات مؤلف

مطالعه اندیشه مستلزم کشف تصرفات و دست‌کاری‌های مؤلف در هنجارهای مرسوم و ایدئولوژی‌های هم‌عصر او است. به تعبیر جیمز تولی در مقاله «قلم شمشیری نیرومند است: تحلیل سیاسی کوئنتین اسکینر»^{۱۷} پنج مرحله تشکیل‌دهنده فرایند تحلیل سیاسی از نظر اسکینر پاسخ‌هایی به پنج سؤال زیر است: الف) نویسنده در نوشتن متن نسبت به دیگر متون موجود، که زمینه ایدئولوژیک را شکل می‌دهند، چه کاری انجام

^۱ . A particular intention in x-ing

می‌دهد یا انجام داده است؟ ب) نویسنده در نوشتن یک متن نسبت به کنش سیاسی موجود و مورد بحث که زمینه عملی را شکل می‌دهد، چه کاری انجام می‌دهد یا داده است؟ ج) ایدئولوژی‌ها چگونه می‌باید شناسایی شده و تکون، نقد و تحول آن‌ها چگونه می‌بایست بررسی و تبیین شود؟ د) ارتباط ایدئولوژی سیاسی و کنش سیاسی که اشاعه ایدئولوژی‌های خاصی را به‌خوبی توضیح می‌دهد، چیست و این امر چه تأثیری در رفتار سیاسی دارد؟ ه) کدام اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج و مرسوم ساختن هنجار تحول ایدئولوژیک نقش دارند؟ نکته قابل توجهی که در برداشت جیمز تولی وجود دارد مربوط به پرسش دوم است که کار مؤلف با دیگران سنجیده می‌شود و تبعیت یا ابتکار و تصرف مؤلف در مقایسه بین چگونگی تلقی یک کنش سیاسی توسط هنجارهای مرسوم یک ایدئولوژی با چگونگی باز توصیف آن از طریق تصرف در این هنجارها کشف می‌شود. اسکینر واژه هنجار مرسوم^۱ را به‌صورت خلاقانه‌ای در مورد نقاط مشترک زبان‌شناختی، که شماری از متون را به هم پیوند می‌زند، به کار می‌برد: این مفهوم دربرگیرنده واژگان، اصول، مفروضات، معیارهای مشترک برای آزمون مدعیات دانش، مسائل، تمایزات مفهومی و امثال آن است. توجیه قراردادن متن در زمینه هنجار مرسوم آن، این نکته است که کنش زبانی همانند دیگر کنش‌های اجتماعی، با هنجار مرسوم مرتبط است و از این‌رو معنای آن «تنها از طریق توجه به هنجارهای مرسوم محیط بر عملکرد یا کنش اجتماعی خاص در یک موقعیت اجتماعی مفروض» قابل فهم است. همچنین یک ایدئولوژی، زبانی از دانش سیاست است که با هنجارهای مرسوم خود تعریف شده و تعدادی از نویسندگان نیز آن را بکار می‌برند. این تکنیک مورخ و جامعه‌شناس را قادر می‌سازد تا بفهمد «تا چه میزان» نویسندگان هنجارهای مرسوم و مفروضات رایج بحث سیاسی را پذیرفته و تأیید می‌کنند، یا زیر سؤال برده و رد می‌کنند یا شاید حتی به‌صورت بحث‌انگیزی آن‌ها را نادیده می‌گیرند. اسکینر این کار را تصرف^۲ در هنجارهای مرسوم ایدئولوژی در دسترس می‌داند. به‌عنوان مثال، در فصل شانزدهم «شهریار»

^۱ . Convention

^۲ . Manipulation

ماکیاولی اندرز می‌دهد که «شهریاران می‌بایست یاد بگیرند در چه زمانی فضیلت‌مند نباشند». مجموعه‌ای از متون نوشته‌شده یا رایج در آن زمان، درباره همان موضوعات یا موارد مشابه و مشترک هنجارهای مرسوم است، از این‌رو فلسفه مدرسی، اومانیسیم، لوتریسیم و کالونیسیم ایدئولوژی هستند و هر دو فلسفه مدرسی و اومانیسیم زمینه عام ایدئولوژیک دولت - شهرهای ایتالیا را در طی دوران رنسانس تشکیل می‌دهند. در مورد شهریار ماکیاولی زمینه خاص ایدئولوژیک شامل تمامی آثاری است که به ارائه «اندرز به شاه» می‌پردازند و هنجارهای مرسوم که بر این نوشته حاکم است، بخش مربوطه‌ای از ایدئولوژی اومانیستی را تشکیل می‌دهند. یکی از هنجارهای مرسوم ادبیات «اندرزنامه‌ها» همواره اندرز به شاه برای عمل فضیلت‌مندانه بوده است، با قرائت اندرز ماکیاولی در پرتو این هنجار مرسوم ما می‌توانیم بفهمیم آنچه او در طرح آن اندرز می‌خواهد بگوید، «به چالش کشیدن و ردّ یک امر معمول اخلاقی پذیرفته‌شده است» (Tully, 1988: 11).

۶- انتقاد از متن‌گرایی در تفسیر.

بنا به مفروضات متن‌گرایی در تفسیر، کار مورخ اندیشه مطالعه و تفسیر مجموعه‌ای از متون کلاسیک است. اعتبار نگارش این‌گونه از تاریخ ناشی از این واقعیت است که متون قدیمی در وجه اخلاقی، سیاسی، دینی و دیگر وجوه اندیشه عقلانیتی بی‌زمان^۱ را به صورت اندیشه عام^۲ دربردارد. به عنوان نتیجه، ما می‌توانیم به یادگیری و بهره‌مندی مستقیم از مطالعه این عناصر بی‌زمان^۳ امیدوار باشیم، چون آن‌ها دارای ارتباطی دائمی هستند. این موضوع به نوبه خود پیشنهاد می‌کند که بهترین راه برای راه یافتن به این متون بایستی تمرکز بر هر یک از گفته‌های^۴ ایشان درباره هر یک از مفاهیم بنیادی^۵ و

^۱ . Dateless wisdom

^۲ . Universal ideas

^۳ . Timeless elements

^۴ . Says

^۵ . Fundamental concepts

سؤالات پایدار^۱ حیات اخلاقی، سیاسی، دینی و اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، ما باید برای قرائت هر یک از متون کلاسیک «مثل اینکه توسط یکی از معاصرین نوشته شده»^۲ آماده باشیم. در واقع راهیابی به آن متون از این طریق، با تمرکز بر مباحث مطروحه و بررسی آنچه به ما درباره موضوعات دائمی^۳ می‌گویند ضروری است. اگر بجای موضوع اصلی به بررسی زمینه‌های اجتماعی یا زمینه‌های فکری‌ای بپردازیم که از آن‌ها برآمده‌اند، دیدگاه «عقلانیت جاودان» را از دست خواهیم داد و بنابراین، ارتباط با ارزش و هدف مطالعه آن‌ها را از دست می‌دهیم. اسکینر این مفروضات را در مقاله معنا و فهم در تاریخ اندیشه مورد سؤال و انتقاد قرار می‌دهد و از این طریق به دنبال بی‌اعتبار کردن آن‌ها است. به نظر وی این اعتقاد که می‌توان از نظریه پردازان کلاسیک انتظار داشت که درباره مجموعه‌ای مشخص از مفاهیم بنیادی نظر داده باشند، موجب شده تا مجموعه‌ای از ابهامات و مهملات تفسیری^۴ برای مدت‌زمان خیلی طولانی تاریخ اندیشه را آشفته نماید. متن محوران از منظری هرمنوتیک و در دفاع از اصالت مؤلفه‌های عام، بر پیش‌فرض‌ها یا تصورات پیشین^۵ محقق تأکید داشته و استدلال می‌کنند که ترسیم و صحبت از تاریخ تفکر اخلاقی یا سیاسی، با به‌کارگیری مطلوب برخی واژگان ثابت و مفاهیم معین که دارای دست‌کم برخی از تشابهات خانوادگی^۶ هستند مشخص می‌شوند. تشابهات خانوادگی واژگان مربوط به فعالیت فکری بایستی موجود باشد تا خود فعالیت را تشخیص دهیم، در این صورت بدون پیش‌داوری‌هایی درباره آنچه ما توقع داریم ببابیم، ملاحظه چنین فعالیتی، یا نمونه‌هایی از آن غیرممکن می‌شود. این معضل در تاریخ اندیشه به‌خصوص با این ادعای مورخان که متون کلاسیک درباره موضوعات کلی بحث می‌کنند وجود دارد. مطالعه آنچه هر نویسنده‌ای گفته است (به‌خصوص در یک فرهنگ بیگانه) بدون در نظر گرفتن توقعات و پیش‌داوری‌های خود

1. Abiding questions

2. Perennial issues

3. exegetical absurdities

4. Preconceptions

5. Family resemblance

درباره آنچه می‌بایست بگویند هرگز به‌سادگی ممکن نخواهد بود. این همان معضل آشنا برای روان‌شناسان به‌عنوان عامل تعیین‌کنندگی دستگاه روانی مشاهده‌کننده است. با توجه به تجربه گذشته‌مان ما آماده‌ایم تا جزئیات را به روشی خاص بفهمیم و وقتی که این چارچوب مرجع تأسیس شد، این روند یکی از تمهیدات برای فهم یا واکنش به روش خاص است. هنگامی که ما این الگوها و پیش‌فرض‌ها را به‌طور اجتناب‌ناپذیری سازمان دهیم، بدیهی است ادراک و تفکرمان به عمل معین و محتومی که ما فکر می‌کنیم یا درک می‌کنیم جهت می‌یابند. ما باید طبقه‌بندی کنیم تا بفهمیم و ما فقط می‌توانیم ناآشنا را برحسب آشنا طبقه‌بندی کنیم. لذا ما به درک پیشینی حداقل بعضی از شباهت‌های خانوادگی شواهد و قرائن اثر نیاز داریم؛ مخصوصاً درباره فرهنگی بیگانه و ناآشنا، غیرممکن است که یک محقق، بدون پیش‌فرض‌ها و اینکه نداند در پی چیست و انتظار یافتن چه چیزی را دارد به فهم یک اثر کلاسیک نائل گردد. بنابراین خطر همیشگی در تلاش برای بسط فهم تاریخی این است که انتظار و توقع ما درباره آنچه یک نفر حتماً و باید گفته یا انجام داده باشد، خودبه‌خود عامل تعیین‌کننده در فهم ما نسبت به عامل^۱، مبنی بر گفتن و انجام دادن چیزهایی که ممکن است واقعاً آن کارها را انجام نداده و یا حتی قادر به انجام آن‌ها نبوده است. اسکینر ضمن اینکه از این آثار و نتایج گریزناپذیر تصورات پیشینی به تصور پارادایم‌های پیشینی^۲ یاد می‌کند؛ معتقد است که در فهم آثار کلاسیک، خطر سقوط به انواع مهم‌های تاریخی^۳ روش متن محوری اجتناب‌ناپذیر است و از شناسایی این انحرافات که در واقع انتساب ناصواب قول یا عمل به مؤلف است به اسطوره‌شناسی^۴ یاد می‌کند. لذا؛ روش تفسیری متن‌گرا موجب می‌شود مفسر در قرائت متن گرفتار انحرافات شود و دست به اسطوره‌سازی بزند، این اقدام او را از معنای درست دور می‌کند (Skinner ۲۰۰۲: ۹۸).

الف - دکترین سازی.

1 . Agent

2 . The notion of priority paradigms

3 . Historical absurdity

4 . Mythology

اسطوره دکترین^۱ که اسکینر از آن به پایاترین اسطوره یاد کرده، هنگامی رخ می‌دهد که مورخین، تحت تأثیر انتظار و توقع پیشینی خود از نویسنده کلاسیک (در تاریخ، گفتار و درباره نظریه اخلاقی یا سیاسی) صراحتاً دکترین یا دکترین‌های درباره مسائل مدنظر به‌مثابه مؤسس طرح آن موضوع فهم و دریافت کند. در این مرحله مفسر تحت تأثیر (هرچند به‌طور ناخودآگاه) چنین پارادایمی به دنبال یافتن دکترین‌هایی درباره همه موضوعات ضروری از مؤلفی معین است. این اسطوره‌شناسی چندین صورت به خود می‌گیرد. نخست خطر تبدیل اظهارات پراکنده یا تصادفی از نظریه‌پردازی کلاسیک به دکترینی درباره یکی از موضوعات مورد انتظار است. این موضوع به‌نوبه خود باعث ایجاد دو نوع خاص از مهملات تاریخی می‌شود. یک نوع به‌طور مشخص‌تر درباره بیوگرافی‌های فکری^۲ و تاریخ‌های اجمالی اندیشه است که در آن‌ها تمرکز بر روی متفکران منفرد است. نوع دیگر به‌طور مشخص‌تر درباره تاریخ اندیشه است که در آن تمرکز بر روی بسط تعدادی اندیشه واحد^۳ است. خطر خاص همراه با شرح‌حال فکری نابهنگامی تاریخی^۴ است. به استناد چند همانندی اتفاقی واژگانی ممکن است مؤلفی معین عقیده‌ای را از نویسنده کلاسیک کشف کند که در اصل قصدی برای شرکت در آن بحث نداشته است. به‌عنوان مثال، مارسیلیوس پادوا از جهتی در کتابش «مدافع صلح» برخی از نمونه اظهارات ارسطویی درباره نقش اجرایی حاکمان و در مقابل نقش تقنینی مردم را عرضه می‌کند. یک مفسر امروزی که با این عبارت مواجه می‌شود برای او مشابه دکترین مهم نظری و عملی پس از انقلاب آمریکا یعنی دکترین تفکیک قدرت اجرایی از قدرت تقنینی به‌عنوان یکی از شرایط آزادی سیاسی خواهد بود. این مباحث به طرح این سؤال کاملاً بی‌معنی انجامیده است که آیا مارسیلیوس یک «دکترین» درباره تفکیک قوا داشته و اگر چنین بوده است آیا بایستی او مؤسس این دکترین معرفی شود. حتی آن‌هایی که منکر این هستند که مارسیلیوس مربوط به این دکترین بوده است تمایل

^۱ . Mythology of doctrine

^۲ . Intellectual biographies

^۳ . Unit idea

^۴ . Anachronism

دارند که نتایج خود را بر متن او مبتنی کنند و اصلاً به خطا بودن این فرضیه که او می‌توانست قصد شرکت در بحثی داشته باشد که اصطلاحات آن بحث در دسترس او نبود توجه ندارند. علاوه بر احتمال خام انتساب معنایی به یک مؤلف که نمی‌توانسته قصد انتقال آن را کرده باشد، خطر دسیسه‌آمیزتر کشف خیلی آسان‌تر دکترین‌های مورد انتظار از متون کلاسیک است. به‌عنوان مثال درباره نوشته‌های ارسطویی که ریچارد هوکر در کتاب اول از قوانین سیاست کلیسایی درباره جامعه‌پذیری طبیعی دارد، ما احتمالاً به‌خوبی درک می‌کنیم که قصد هوکر - همانند بسیاری از حقوقدانان مدرسی آن زمان - صرفاً ایجاد وسایلی برای تشخیص ریشه‌های الهی کلیسا از ریشه‌های دنیایی‌تر انجمن‌های مدنی است؛ اما مفسر امروزی که هوکر را در رأس «خط سیر تنازلی» می‌بیند که از هوکر تا لاک و از لاک تا دیگر فلاسفه، مشکلی برای تبدیل گفته‌های هوکر به نظریه قرارداد اجتماعی^۱ او ندارند. اسکینر علاوه بر مورد فوق به اسطوره انتساب دکترین اعتماد سیاسی به جان لاک و نیز دکترین تفکیک قوا به جیمز هرینگتون استناد می‌کند (Tully, ۱۹۸۸: ۳۴).

اسکینر این سؤال بنیادی و ضروری را طرح می‌داند که اگر نویسندگان کلاسیک دعوی چنین دکترین‌های شفاف‌تری را داشته‌اند چرا خودشان در اظهار و بیان آن‌ها ناکام مانده‌اند، به‌طوری‌که مورخین اندیشه اجازه دارند مقصود و منظور آن‌ها را از روی حدس‌ها و اشارات تلویحی مبهم، این‌گونه و در طریقی بسیار متفاوت‌تر از تاریخ اندیشه بازسازی کرده و نشان دهند. اسکینر وجه مشخصه چنین تاریخ‌نگاری‌هایی را تلاش برای استخراج «نمونه آرمانی دکترین‌های معین»^۲ نظیر مساوات، پیشرفت، مصالح عمومی، قرارداد اجتماعی، سلسله عظیم هستی، تفکیک قوا و مانند آن و بررسی آن نمونه در سرتاسر محدوده تاریخی که پدیدار شده‌اند، می‌داند و خطر چنین رهیافتی این است که دکترین موردتحقیق، به‌سرعت به یک ماهیت فرضی تبدیل شده^۲ و در تاریخ اندیشه‌ها

^۱ . Theory of the social contract

^۲ . Hypostasised into an entity

جاودان باقی بمانند. به نظر اسکینر این شیئی انگاری‌ها^۱ موجب مهمل و بی‌معنا شدن تاریخ اندیشه می‌شود. حاصل گرایش به بررسی تشابهات به نمونه ایده آل، شکلی از تاریخ است که تقریباً به‌طور کامل به تذکار دکترین‌های اخیر در تاریخ و تشویق نویسندگان کلاسیک بر اساس مقدار غیب‌گویی که داشته‌اند، اختصاص دارد. مارسیلیوس پادوا بخاطر پیش‌بینی فوق‌العاده‌اش درباره ماکیاولی مشهور است. ماکیاولی برای اینکه بنیانی را برای مارکس قراردادده برجسته است. نظریه نشانه‌های لاک به‌مثابه یک پیش‌بینی از متافیزیک برکلی مشهور است. نظریه علیت جوزف گلانوویل تا حدی که هیوم را پیش‌بینی کرده است جالب‌توجه است. تلقی لرد شافتسبری درباره عدالت الهی برجسته است زیرا در یک معنای معینی کانت را پیش‌بینی کرده است. گاه‌گاهی حتی ادعای تاریخی بودن کنار گذاشته‌شده است و مؤلفین گذشته به‌راحتی مطابق با اینکه تا چه حدی وضعیت کنونی ما را پیش‌بینی کرده‌اند، تحسین یا سرزنش می‌شوند. مثلاً منتسکیو ایده اشتغال کامل و دولت رفاه را پیش‌بینی کرد به همین خاطر مورخ متن گرا ذهن او را روشن و نافذ نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت اسطوره‌شناسی دکترین‌ها، به‌انحاءمختلف، مشتمل است بر خلط پاره‌ای از اظهارات پراکنده و اتفاقی یکی از متفکران کلاسیک بجای دکترینی درباره یکی از موضوعاتی که مورخ انتظار دارد و بی‌معنایی و مهمل تاریخ ناشی از اسطوره دکترین می‌تواند در پرتو این پرسش نمایان شود که آیا آنچه مورخ درباره یک ایده گفته است واقعاً در آن زمان ظهور یافته و آیا واقعاً این‌همانی است که در اثر مؤلف وجود دارد؟ در روش متن محوری این انحراف اتفاق می‌افتد که نویسندگان و نظریه‌های آنان صرفاً بر اساس میزان منعکس کردن مشخصه و اوصاف زندگی و اهداف مفسر، سرزنش یا تحسین می‌شوند و حتی معاصران آن‌ها نیز به خاطر به رسمیت شناختن یا نشناختن آن‌ها بی‌نصیب نخواهند ماند. به‌عبارت‌دیگر این شکل از اسطوره دکترین‌ها، مستلزم به‌کارگیری نظریه‌پردازان کلاسیک یا دکترین‌هایی است که موردپذیرش هستند و موضوعات آن‌ها مناسب

¹ . Reifications

تشخیص داده می‌شوند. نظریه پرداز کلاسیکی که نتوانسته دکترینی برجسته درباره یکی از موضوعات امروزی مطرح کند بخاطر قصور در انجام وظیفه درست خود موردانتقاد قرار می‌گیرد. (Skinner, ۲۰۰۲:۶۴)

ب- انسجام سازی.

جمع بین آراء ناسازوار مؤلف و انسجام‌بخشی به آن‌ها از مواضع خطرناکی است که می‌تواند فهم از او را به تحریف بکشد و این کار در روش اسکینر اسطوره انسجام^۱ و ایراد دیگری است که اسکینر بر تفسیر متن محور می‌گیرد. به عقیده وی اگر الگوی بنیادی سلوک پژوهش‌های تاریخی، متبحر پنداشتن نویسندگان کلاسیک در دکترین‌ها به‌عنوان وجه ممیزه‌شان در هر موضوع باشد آنگاه به‌صورت خطرناکی آسان خواهد بود که مورخین، به‌عنوان یک وظیفه در دریافت یا عرضه کردن هر یک از متون، به آن‌ها انسجامی بدهند که ممکن است فاقد آن باشند. اسکینر تأکید می‌کند چنین خطری آنگاه حادث می‌شود که مورخ، در تلخیص یک اثر، به دنبال استخراج و اعلام یک پیام باشد. بر این اساس اگر درباره سازواری موضوعات اصلی فلسفه سیاسی هابز شک و تردید وجود دارد، این وظیفه شارح^۲ است که برای کشف انسجام درونی دکترین او، چندین بار لویاتان را خوانده تا دریابد که بحث وی دارای انسجام بوده است. همین احساس وظیفه شارح، در انسجام و نظام‌مند کردن آثار سیاسی هیوم و هررد از میان آثار پراکنده آن‌ها گونه دیگری از اسطوره انسجام است؛ گویی یکی از وظایف شارح یا مفسر، نمایاندن ایده‌ها در شکلی منسجم است که در نتیجه این رویه، پیشاپیش به تفکر نویسندگان کلاسیک انسجامی می‌دهد که ممکن است آن‌ها هرگز چنین نبوده و یا حتی به چنین درکی نائل نشده باشند. بنابراین تاریخی که این‌چنین نوشته می‌شود، نه تاریخ ایده‌ها بلکه به تاریخ انتزاعات تبدیل می‌شود ممکن است شارح و مفسر، ولو به قیمت تنزل مضمون قصد و نیتی که خود نویسنده در انسجام آن داشته و حتی به قیمت تنزل بخش‌هایی از کل اثر که مخل انسجام‌اند، به استخراج یک پیام با انسجام

1. Mythology of coherence

2. Exegete

عالی تر اقدام کند. مثلاً آثار فکری اخلاقی و سیاسی لاک به گونه‌ای تدوین و تعریف شود که بتوان به آسانی به او برچسب یک نظریه پرداز سیاسی لیبرال زد. چنین فهمی از لاک به این حقیقت توجه نمی‌کند که این‌ها نگاه‌های متأخر و در سن پنجاه سالگی لاک است و وی آن‌ها را در سن سی سالگی اش انکار کرده است، به عبارت دیگر، لاک در سی سالگی هنوز آن لاک معروف نیست. دیگر باور متافیزیکی که اسطوره انسجام از آن برمی‌خیزد این است که مؤلف ممکن است از شارح و مفسر انتظار داشته باشد جهت کشف و معرفی اثر، حدودی از انسجام را به نمایش و تقابل‌ها، ناسازگاری و تناقض‌های اثر کنار گذاشته شود. لذا با آثار ماکیاولی، مارکس و دیگر مؤلفین برخورد گزینشی می‌شود و چنین برمی‌آید که بسیاری از اعمال جاری در تاریخ ایده‌ها تعمداً یکی از عجیب و غریب‌ترین دکترین‌های باور اسکولاستیک را تصدیق می‌کند که یکی باید تناقضات را حل کند (Tully, ۱۹۸۸: ۴۲).

ج - مقدم سازی.

دو اسطوره قبلی از این واقعیت مشتق می‌شدند که مورخین ایده‌ها به خاطر حال و هوای خاص متون به گونه اجتناب‌ناپذیر سمت‌وسوی خاصی می‌یابند اما اسکینر بر این باور است که در اسطوره‌شناسی مقدم سازی^۱ ما همچنان از طریق همان عامل تذکار پارادایم‌های متقدم، با خلق استدلال‌های بیشتری مواجه هستیم که طرق تفسیر تاریخی آن‌ها می‌تواند به سوی اسطوره منحرف شود؛ از جمله ممکن است بعضی از موضوعات متون کلاسیک برای ما از چنان اهمیتی برخوردار شود که مورخ ایده خود را درگیر تجزیه و تحلیل آن کند به گونه‌ای که خیلی علاقمند شود مقصود و معنای یک اثر یا عمل تاریخی را معطوف و مسبوق به آن‌ها کند. به طور خلاصه ویژگی بارز پیش انداختن، تلفیق نامناسب محتوای مورد نظر نویسنده کلاسیک، بامعنا و اهمیت امروزی موضوع از نظر شارح و مفسر است به گونه‌ای که مفسر از طریق معنا کردن - و به وجهی موجه و مجاز - مدعی پیدا کردن یک موضوع یا عمل دیگری شود. مثلاً دیدگاه سیاسی افلاطون

^۱ . Mythology of prolesis

در کتاب جمهور را به‌عنوان دیدگاه یک سیاستمدار حزبی توتالیترا ملاحظه نموده یا در ظهور توتالیتریانیسم مسئولیت خاصی را متوجه قصد و نیت روسو کنیم. همچنان که ملاحظه می‌شود چنین شرح‌هایی نیازمند مفاهیمی است که فقط در زمان‌های بعد در دسترس بوده‌اند؛ لذا در نتیجه تلفیق نامناسب مذکور، با حقیقت و اهمیت و تأثیر تاریخی آثار به‌گونه‌ای عمل می‌شود که حقیقتی ندارند بدین‌سان، در نتیجه مقدم سازی اثر یا عمل، مجبور است برای معنی شدن، منتظر آینده باشد. این انتظار اگر بامعنی شدن از طریق یک فرهنگ بیگانه و ناآشنا صورت گیرد وضوح خطرناک بودن آن با اجتناب‌ناپذیری آن برابر است (Tully, ۱۹۸۸: ۴۵).

د- محدودسازی افکار.

اگر فرض کنیم یک متفکر به سایر متفکران یا آثار دیگر متفکران دسترسی داشته است آنگاه اثر یا آثار وی، مخلوق و منحصر به فکر یک نفر یعنی خود مؤلف نمی‌شود بلکه موضوع تأثیرپذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن متفکر نیز مطرح می‌گردد که اسکینر دست‌کم دو مورد از این انحرافات حاصله را در قالب اسطوره محدود بودن افکار^۱ مطرح و پی می‌گیرد؛ اولاً این خطر وجود دارد که مورخ ممکن است از موقعیت ممتاز^۲ خود در توصیف بعضی گزاره‌های یک مرجع مشخص یک اثر کلاسیک سوءاستفاده کند و دیگر اینکه مورخ اشتباهاً فرض کند که نویسنده موردنظر وی اشاراتی به نویسندگان پیشین داشته یا به‌عبارت‌دیگر از وی متأثر بوده است؛ که از نظر اسکینر مقوله تأثیر نمی‌تواند از توضیح و تعبیر تهی شود بلکه مستلزم ملاحظه شرایط کافی برای به‌کارگیری مناسب مفهوم است؛ لذا اسکینر در تاریخ عقاید سیاسی به مواردی اشاره می‌کند که فاقد اصالت تکوینی و تاریخی یا فاقد اصل و منشأ می‌باشند؛ مثلاً باملاحظه سوابق آراء سیاسی ادموند برک گفته می‌شود که هدف وی در تأملاتی در باب علل نارضایتی‌های کنونی، بی‌اثر شدن تأثیر بولینگ بروک بوده درحالی‌که درباره خود بروک گفته می‌شود که تحت تأثیر لاک بوده است و درباره لاک گفته می‌شود تحت تأثیر هابز بوده و هابز نیز

^۱ . Mythology of parochialism

^۲ . Vantage-Point

متأثر از ماکیاوولی است که اسکینر در پرتو طرح نمودن استلزامات و شرایط لازم در تأثیرپذیری، اسطوره ناشی از احتجاج تأثیر نویسنده متقدم بر نویسنده بعدی چنین نشان می‌دهد؛ اولاً باید یک تشابه ذاتی بین این دو باشد ثانیاً اینکه دکتربین متأخر، دکتربین مرتبط و مناسبی غیر از دکتربین متقدم نیافته باشد و ثالثاً اینکه احتمال تصادفی تشابه، بسیار اندک باشد. برحسب این مدل تأثیر ماکیاوولی بر هابز و هابز بر لاک حتی در مرحله متقدم شکست می‌خورد. مخصوصاً هابز از ماکیاوولی و نیز لاک از هابز هرگز به‌طور شفاف بحث نشده است. ضمن اینکه تأثیر مورد بحث هابز و لاک و بولینگ بروک بر ادموند برک، هر دو در مرحله متأخر ناتمام می‌ماند (Tully, ۱۹۸۸: ۴۶).

یک‌شکل دیگر اسطوره محدود بودن افکار این است که مورخ، یک بحث را به روشی مفهوم‌سازی کند که مؤلفه‌ها بیگانه بحث مؤلفه آشنا، اما خطا آمیز حل شوند؛ مثلاً مورخی که قصد دارد یکی از ویژگی‌های اساسی تفکر سیاسی رادیکال در طی انقلاب انگلستان را با توسعه حق رأی مرتبط بداند، وی ممکن است به این امر رهنمون شود که این خواسته مساوات طلبانه را در اصطلاحات مبحثی از دموکراسی مفهوم‌سازی کند. مع‌هذا، خطر وقتی است که مفهوم فلسفه دموکراسی لیبرال^۱ به‌عنوان پارادایمی برای توصیف و فهم جنبش مساوات طلبان^۲ بکار گرفته شود (Tully, ۱۹۸۸: ۴۷).

۷- انتقاد از زمینه‌گرایی در تفسیر.

در روش‌شناسی خوانش زمینه‌ای فرض بر این است که زمینه سیاسی، اجتماعی و تاریخی تعیین‌کننده‌ی معنای متن است و لذا برای فهم معنای یک متن باید زمینه‌های عینی پدید آمدن آن متن را شناخت. این روش به «هرمنوتیک زمینه محور» معروف است. به‌زعم اسکینر اگر روش قبلی بر متن، به‌عنوان تنها کلید فهم معنای متن تأکید داشت و نسبت به زمینه‌های اجتماعی- تاریخی و نیز قصد و نیت مؤلف بی‌اعتنا بود در روش اخیر با تکیه بر زمینه‌ها، از عنصر قصد و نیت مؤلف چشم‌پوشی کرده است. بر همین اساس، اگر در روش متن محوری، نقد اسکینر معطوف به برملا کردن انحرافات

^۱. Philosophy of liberal democracy

^۲. Levellers movment

فهم ناشی از عدم توجه به دو مؤلفه زمینه‌ها و نیت مؤلف بود در روش اخیر، نقد وی اساساً معطوف به آسیب‌های ناشی از عدم توجه به نیت مؤلف است. از نظر اسکینر روش زمینه محور، با توجه اساسی به زمینه اجتماعی و شرایط تاریخی در فهم و معنای اثر تا این حد که از برخی خطرات متن محوری اجتناب می‌کند قابل توجه است. در این روش فهم هر ایده مستلزم فهم همه اتفاقات و فعالیت‌هایی که مؤلف در چارچوب آن‌ها عمل می‌نموده است. اسکینر در همین چارچوب می‌پذیرد که اندیشمندان در واقع در چارچوب پذیرش شرایط جدید متقاعد به نوشتن شده‌اند؛ اما از نظر وی اگر مطابق خوانش اخیر یک ارتباط علی بین زمینه بیان و خود بیان، شکل بگیرد، بی‌شک تاریخ حیات مستقل ایده‌ها به خطر می‌افتد در نتیجه مورخین ایده‌ها وحشت‌زده تردید خواهند کرد که آیا واقعاً ایده آن‌ها خلق خواهد شد؟ ثانیاً حتی اگر فرمول تعاملی این دو را بپذیریم که زمینه‌های اجتماعی سبب صورت‌بندی و تغییر ایده‌ها می‌شوند و ایده‌ها نیز متقابلاً باعث تغییر صورت‌بندی زمینه اجتماعی و شرایط تاریخی می‌شوند در هر صورت معمای مرغ و تخم‌مرغ همچنان محفوظ است. اسکینر نیمی از پاسخ به این معما را معطوف به تقلیل و تخفیف شأن انسان می‌داند اما از طرف دیگر می‌پذیرد برای بیان^۱، بایستی زمینه‌های توضیحی و یکسری شرایط علی مقدم وجود داشته باشد اما به‌طور فوق‌العاده تردیدآمیز می‌پرسد: آیا دانش علل یک عمل، با فهم خود آن برابر است؟ (Tully, ۱۹۸۸: ۵۹) چون اگر درک یکسری شرایط متقدم برای ایجاد کنش لازم باشد به همان میزان نیز درک هدف از کنش عامل (قصد و نیت) ضروری است و این اعتبار و اصالت قصد و نیت عامل، به مفهوم نقض مدعای زمینه محوران خواهد بود.

اسکینر در نسبت سنجی ارتباط قصد و عمل می‌گوید: «ممکن است من قصد انجام کارهایی را داشته باشم اما هرگز موفق به انجام آن‌ها نشوم» وی بر این باور است نسبت سنجی غلط آن‌ها، از دو تصور غلط سیراب می‌شود که ملاحظه آن‌ها به بی‌اعتباری تصور فهم اثر از طریق مطالعه زمینه کمک می‌کند؛ اول این تلقی که قصد و

^۱ . Utterance

نیت، به طور تصادفی با کنش مرتبط شود؛ دوم این که معنی کردن و فهمیدن، به طور قابل توجهی وابسته به هم یا لازم و ملزوم یکدیگرند. اسکینر بر اساس موارد فوق الذکر و با احتجاج به این جمله ماکیاولی که یک پادشاه باید بیاموزد چگونه بافضیلت نباشد، معانی مختلف و متنوعی را از درون زمینه عام دوره رنسانس استخراج می کند تا خصلت بالقوه گمراه کننده خوانش مبتنی بر زمینه محض را در برابر ضرورت فهم نیروی غیر گفتاری قصد شده (قصد دار) قرار دهد. بر پایه موارد فوق اسکینر خطر چنین رهیافتی را ادعاهای غلط دانسته است مثلاً اشتباهی تاریخی که در آن بدون توجه به الزامات ایمان - نظیر فروتنی، عمل و...- تلاش شد قرن نوزده و عصر روشنگری را سرآمد قرن های ایمان^۱ معرفی کنند. بنابراین اسکینر معتقد است که اگر ما بخواهیم یک اندیشه معین را حتی در درون یک فرهنگ خاص و در یک زمان مشخص بفهمیم، بر اشکال و فرم کلمات نمی توانیم متمرکز شویم. چون ممکن است کلماتی که محمل ایده ها و اندیشه ها هستند، به عنوان دلالت کننده های مثالی، با قصدهای متفاوت و کاملاً ناسازگار بکار گرفته شود. لذا نباید امیدوار باشیم مضمونی از زمینه بیان، معضل را حل نماید، چون که خود زمینه ممکن است مبهم باشد. (Tully, ۱۹۸۸: ۵۵)

۸- روش در آثار اسکینر

اسکینر روش خود را در خصوص اندیشه سیاسی ماکیاولی (Skinner, ۱۹۸۱) و هابز (Skinner, ۲۰۰۲, Vol. ۳) بکار برده و ارتباط آن را با زمینه های سیاسی و اجتماعی ایشان تطبیق نموده است. اسکینر زبان، فضای زندگی، محیط سیاسی، زمینه فکری و شرایط تاریخی را برای دستیابی به قصد و نیت مؤلف در نظر می گیرد تا با بازسازی زمینه و زمانه به رمزگشایی و فهم معنای یک اثر یا مفهوم انسانی نائل آید. اسکینر در مباحث روش شناسی خود و به خصوص در اندیشه شناسی به بازسازی تجربه زندگی و زمینه های تاریخی شکل گیری یک اثر یا مفهوم، معتقد است. او مسئله اساسی خود را این گونه مطرح می کند که در تلاش برای فهم یک متن چه روش مناسبی باید

^۱ . Ages of faith

اتخاذ نمود؟ یا به عبارت دیگر، معنای واقعی و تاریخی یک متن چگونه کشف می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال کلید دریافت معنای واقعی متن را کشف نیت مؤلف در تألیف آن قلمداد می‌کند. اسکینر، در کتاب دوجلدی بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن (Ski nner, ۱۹۷۸) که از مهم‌ترین تألیفات او محسوب می‌شود، اندیشه سیاسی دو دوره رنسانس و رفرماسیون را با نظر به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد. به همین ترتیب، اسکینر برای بررسی مفهوم آزادی در کتاب آزادی قبل از لیبرالیسم (Ski nner, ۱۹۹۸)، بجای پرداختن به چیستی مفهوم، به تحول مفهومی آن در یک تجربه تاریخی می‌پردازد، یعنی، نحوه تحول مفهوم آزادی با نظر به جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم تا دوران مدرن و لیبرالیسم بررسی شده است. وی در مقدمه کتاب مهمی که درباره اندیشه سیاسی ماکیاولی نگاشته در باب روش بکار رفته در تألیف اثر می‌نویسد: «استدلال من این خواهد بود که برای فهم نظریه‌ها و تعالیم ماکیاولی، باید مشکلاتی را از لابلای غبار زمان باز و آشکار کنیم که او به‌وضوح در دو کتاب شهریار و گفتارها و سایر نوشته‌های خود در باب فلسفه سیاسی، خویشتن را با آن‌ها روبرو می‌دیده است و اما برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، لازم است محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم: یعنی محیط فکری فلسفه یونان و روم و فلسفه رنسانس و همچنین محیط سیاسی زندگی در دولت‌شهرهای ایتالیا در اوایل سده شانزدهم. پس از بازگرداندن ماکیاولی به جهانی که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، آنگاه خواهیم توانست کم‌کم قدر حمله فوق‌العاده بدیع و بی‌سابقه او را به اصول مسلم و متداول اخلاق در آن روزگار بدانیم و به ارزش آن پی ببریم.» (اسکینر، ۱۳۸۷: ۱۷) این بیان اسکینر به‌وضوح نمایه چارچوب روش‌شناسی سه مرحله‌ای وی و راهنمای خطوط بنیادینی است که برای قابل‌فهم کردن اندیشه سیاسی مؤلف مورد تأکید قرار می‌دهد. (نمودار ۱) به این معنا که در: مرحله اول، خواننده با متون و آثار مؤلف^۱ روبرو می‌شود و به دنبال این است تا با

^۱ . Texts and works of author

بازگرداندن مؤلف به جهانی که اندیشه‌های وی بدو^۱ در آن شکل گرفته است^۱، مشکلاتی که مؤلف خود را در این متون با آن‌ها روبرو می‌دید، آشکارسازی نماید^۲. مرحله دوم، در این راستا پژوهشگر به بازآفرینی محیط تألیف آثار^۳، اعم از بازآفرینی محیط فکری^۴ و بازآفرینی محیط سیاسی^۵ می‌پردازد. مرحله سوم، در نتیجه محقق به فهم نظریه‌ها و تعالیم مؤلف^۶، یعنی فهم قصد و نیت مؤلف^۷ و فهم ابتکارات مؤلف^۸ دست می‌یابد (Ski nner, ۱۹۸۱:۲). این مراحل در نمودار زیر ترسیم شده است. اسکینر طبق این روش، در کتاب «ماکیاولی»، از طریق قراردادن متون و آثار بجای مانده از ماکیاولی در باب فلسفه سیاسی نظیر شهریار و گفتارها در محیط اومانیستی و میراث ادبی روم باستان و نیز زندگی در دولت‌شهرهای ایتالیا در سده‌ی شانزدهم؛ سعی دارد به فهم نظریه‌ی سیاسی او نائل آید. اسکینر در دو فصل «ماکیاولی در مقام دیپلمات» و «رایزن شهریاران» به زمینه‌های فکری و سیاسی و در دو فصل «فیلسوف آزادی» و «نگارنده تاریخ فلورانس» به بررسی متون و آثار ماکیاولی می‌پردازد. چون در روش قصدی، معنای هر عمل به‌طور ثابت، مربوط به زمان و شرایط تاریخی است که عمل یا اثر خالق، در آن اتفاق افتاده است و در همین شرایط تفسیر معطوف به بازسازی شکل می‌گیرد که در آن، رفتارها و محصولات انسانی با بازسازی درک خود افراد درگیر درکنش و خلق اثر حاصل میشود. تفسیر همان فهم معنای کارهایی است که عاملین آن‌ها برحسب ضوابط و شرایط خودشان انجام داده یا انجام می‌دهند. لذا، قصدیت موجود در خود عمل، همیشه مورد پرسش خواهد بود و این مستلزم قراردادن اعمال در بستر گسترده‌تر «زندگی عامل» و «زمینه اجتماعی» او است. به نظر اسکینر، مسئله

¹ . Restore the author

² . Recovering the problems

³ . Reconstruct the Context

⁴ . Reconstruct the intellectual Context

⁵ . Reconstruct the political Context

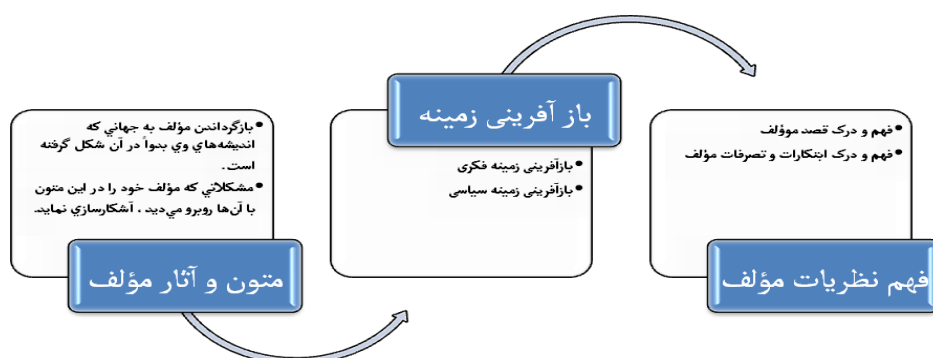
⁶ . Understanding the author's doctrines

⁷ . Understanding the author's intention

⁸ . Understanding the author's manipulations

اساسی مفسر در مطالعه هر متن، عبارت است از فهم آنچه یک نویسنده قصد داشته است برای مخاطب بیان کند. در اینجا، متن به یک عمل ارتباطی قصد شده تبدیل می‌شود که بازیابی مجدد آن بایستی معطوف به فهم این قصد مرکب و پیچیده نویسنده است.

نمودار ۱: مراحل هرمنوتیک اسکینر :



بنابر استدلال‌های روش‌شناختی اسکینر، به‌عنوان مثال برای فهم نظریه‌ها و اندیشه‌های مطهری، باید مشکلاتی را در زمان او باز و آشکار کنیم که در کتب امامت و رهبری، عدل الهی، نقد مارکسیسم، حماسه حسینی، آینده انقلاب اسلامی و سایر نوشته‌ها در قالب مقاله، سخنرانی یا مصاحبه، در باب فلسفه و کلام سیاسی، خویشان را با آن‌ها روبرو می‌دیده است. برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، باید محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم: یعنی محیط فکری مشتمل بر فلسفه اسلام و ایران و فلسفه مدرن و همچنین محیط سیاسی زندگی در نظام پهلوی در کنار احزاب، گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی، انقلاب و نظام جدید اسلامی. پس با بازگرداندن مطهری به جهانی که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، می‌توان شاخصه‌های اندیشه ورزی

مطهری را دریافت و به نتایج و تبعات نظرگاه اخلاقی و سیاسی وی درباره مسائل مربوط به قدرت و رهبری سیاسی در جمهوری اسلامی پی برد.

۹- نتیجه‌گیری.

فهم افکار و ذهنیت انسانی به‌طور کلی متأثر از دو مبنای روشی تجربی و تفهیمی است. بنابر متدولوژی تفهیمی، درک صحیح اعمال آدمی نسبت مستقیمی با درک نیت و قصد او برقرار می‌کند و عالم افکار انسان‌ها قابل فروگاهی به عالم جمادات و پدیده‌های طبیعی نیست. هرمنوتیک، به‌مثابه یک روش خواستار دستیابی به معنای متن و ابهام‌زدایی از آن است و با روشن‌سازی و فهم تعبیر مؤلف در شرایطی که مؤلف غایب است، ملازمت دارد. برای خوانش اندیشه سیاسی به‌وسیله هرمنوتیک به‌طور سنتی یا به متن بجای مانده از اندیشمند و یا شرایط و زمینه‌ای که وی در آن می‌زیسته رجوع می‌شود. تفسیر اندیشه مبتنی بر متن باعث انتساب عقلانیت و حقیقتی فرا زمان به متن می‌شود و مفسر را موظف به می‌نماید انسجام‌بخشی، دکترین پردازش، محدودسازی و مقدم نمودن اندیشه معاصر خود بر اندیشه مؤلف بپردازد که موجب خوانش غلط از اندیشه او می‌شود. اسکینر روشی را معرفی نموده است که در آن به رابطه متعامل متن و زمینه برای کشف قصدیت مؤلف پرداخته می‌شود. به نظر اسکینر، هر نویسنده درگیر یک عمل ارتباطی قصد شده است و متن نیز تجسم چنین عملی است یعنی نویسنده به هنگام نوشتن گزاره‌های متن قصد دارد باین گزاره‌ها کاری را انجام دهد. برای فهم این قصد مضمون در سخن، با بازآفرینی محیط سیاسی و زمینه فکری، مؤلف به زمان خود بازگردانده و تأثیر تحولات تاریخی بر شکل‌گیری اندیشه او در کنار مقایسه اندیشه او با ایدئولوژی‌های محیط پیرامونش قرارداد می‌شود. با فهم چگونگی به سخن درآمدن مؤلف با تحولات و افکار محیطی‌اش، مفسر قادر به درک و تحلیل نظریه‌ها، تعالیم و ابتکارات مؤلف می‌شود. در روش پژوهش قصدگرا برای تفسیر اندیشه مؤلف به جنبه‌های زندگی شخصی و کاری مؤلف، تعامل و ارتباط متن و زمینه، تناظر سیر تحولات تاریخی و شکل‌گیری اندیشه مؤلف، مباحث اخلاقی، سیاسی و فلسفی باستان، سنت‌های دینی و سنت‌های مدرن معاصر مؤلف، برداشت جدید مؤلف از مفهومی خاص در قیاس با

برداشت‌های کلاسیک و مدرن و ذکر تعارضات و تخالف اندیشه‌های مؤلف در زمان‌ها، شرایط و موقعیت‌های متفاوت زندگی او؛ لحاظ می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که در به‌کارگیری روش قصدگرا، نسبت‌گرایی نهفته در این روش تا جایی بر فهم اندیشه اسلامی قابل انطباق است که به اصول ثابت و حیانی و دینی خدشه‌ای وارد نکند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی:

۱. اسکینر، کوئنتین (۱۳۸۷) *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
۲. برایان فی (۱۳۸۶) *فلسفه امروزین اجتماعی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
۳. تولی، جیمز (۱۳۸۳) "قلم شمشیری نیرومند است: تحلیل سیاسی کوئنتین اسکینر"، ترجمه غلامرضا بهروز لک، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸.
۴. دلانتی، گرارد (۱۳۷۳) *علم اجتماعی، فراسوی تعبیرگرایی و واقع‌گرایی*، ترجمه محمد عزیز بختیاری، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۵. پالمر، ریچارد. ا. (۱۳۸۷)، *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.
۶. سرل، جان (۱۳۸۵) *افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. لیتل، دانیل (۱۳۷۳) *تبیین در علوم اجتماعی*؛ ترجمه محمد عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۸. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵) *روش‌شناسی نظریات جدید در سیاست*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ب. منابع انگلیسی

1. Austin, J. L. (1980), *How To Do Things With Words*, ed. J. O. Urmson and Marina Sbisa, **Oxford: Oxford University Press**.
 2. Alvesson, Mats and Skoldberg, Kaj (2000), *Reflexive methodology*, London: Sage publications.
 3. Bleicher, Josef (1990), *Contemporary Hermeneutics*, London: Routledge.
 4. Skinner, Quentin (1972), Intentions and the Interpretation of Texts, *New Literary History*, vol. 3.
 5. Skinner, Quentin (2002), *Visions of Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
 6. Skinner, Quentin (1981), *Machiavelli: A Very Short Introduction*, New York: Oxford University Press.
 7. Skinner, Quentin (1978), *The Foundation of Modern Political Thought*. Cambridge, Cambridge University Press.
 8. Skinner, Quentin (1998), *Liberty before liberalism*, Cambridge, Cambridge University Press.
 9. Tully, James (1988), *Meaning and context: Quentin skinner and his critics*, Newjersy, Princeton University Press.
 10. Von Wright, Georg Henrik (1971) , *Explanation and Understanding*, Ithaca, N.Y. Cornell University Press.
 11. Weber, Max (1949), *The Methodology of the Social Science*, Edited and translated by E. Shils and H.A.Finch. Glencoe, Ill. FreePress.
-